

استادبانک



نمونه سوالات همراه با جواب و

گام به گام کتاب‌های درسی

به طور کامل رایگان در

اپلیکیشن استادبانک

به جمع ده‌ها هزار کاربر اپلیکیشن رایگان استادبانک پیوندید.

[لینک دریافت اپلیکیشن نمونه سوالات استادبانک \(کلیک کنید\)](#)

* برای مشاهده نمونه سوالات دانلود شده به صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- از نظر کنت، عقل تنها زمانی به شناخت می‌رسد که با روش وارد عمل شود.

« پاسخ »

از نظر کنت، عقل تنها زمانی به شناخت می‌رسد که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود.

۲- کانت مفاهیمی فلسفی مانند ضرورت را می‌دانست.

« پاسخ »

کانت مفاهیمی فلسفی مانند ضرورت را جزء ساختار ذهن یا ذهنی می‌دانست.

۳- در دوره ی یگانه معیار درستی و نادرستی افکار و عقاید، عقل بود.

« پاسخ »

در دوره ی رنسانس یگانه معیار درستی و نادرستی افکار و عقاید، عقل بود.

۴- تقسیم عقل به عملی و نظری از جهت است.

« پاسخ »

تقسیم عقل به عملی و نظری از جهت کارهایی که انجام می‌دهد است.

۵- ارسطو به عقل به عنوان توجه ویژه‌ای داشت.

« پاسخ »

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال توجه ویژه‌ای داشت.

۶- لوگوس در زبان یونانی هم به معنای است و هم

« پاسخ »

لوگوس در زبان یونانی هم به معنای عقل است و هم نطق یا کلمه.

۷- ایرانیان باستان از عقل به عنوان یک وجود و آگاه بودند.

« پاسخ »

ایرانیان باستان از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بودند.

۸- محدوده‌ی عملیات عقل را نزد فیلسوفان زیر بیان کنید.

۱- افلاطون	
۲- ارسطو	
۳- بزرگان اولیه کلیسا	
۴- بیکن	
۵- دکارت	
۶- کانت	
۷- اوگوست کنت	

« پاسخ »

۹- دیدگاه فلاسفه‌ای مانند ابن‌سینا را با دیدگاه کانت درباره‌ی مفاهیم فلسفی نظیر امکان، وجوب و علیت مقایسه کنید و نتایج آنرا توضیح دهید.

« پاسخ »

- ۱۰- به جملات زیر توجه کنید و نظر خود را درباره‌ی آنها توضیح دهید.
- ابن‌سینا: هرکس عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.
 - اوگوست کنت: علم جدید، تجربی است و چنان قوتی دارد که ما را از استدلال‌های عقلی بی‌نیاز کرده است.
 - حافظ: ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی / ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست
 - ویتگنشتاین: استدلال در حوزه‌ی دین احمقانه‌ترین کارهاست؛ زیرا استدلال عقلی مربوط به حوزه‌ی علمی است نه دین.

« پاسخ »

۱۱- کدام گزینه از نظر دکارت، جزء توانایی‌های عقل محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اثبات وجود مفاهیمی مثل خدا و نفس
 (۲) داشتن مفاهیم بدیهی و فطری
 (۳) درک واقعیت در قالب ساختار ذهن
 (۴) به دست آوردن شناخت تجربی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از نظر دکارت، عقل دارای یکسری مفاهیم فطری و بدیهی است و می‌تواند از طریق استدلال عقلی محض، وجود مفاهیمی مثل خدا را اثبات کند. در ضمن، عقل برای کسب شناخت تجربی، به حس کمک می‌کند؛ اما این که واقعیت بیرونی را در قالب ذهن درک کنیم، اعتقاد کانت است نه دکارت.

۱۲- حدود کاربرد عقل در نظر اوگوست کنت کجاست؟

- (۱) حیطة حس و تجربه
(۲) استدلال‌های عقلی محض
(۳) اثبات امور غیرمادی
(۴) ذهن انسان

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً در حیطة امور تجربی و حسی کاربرد دارد و غیر از آن، شناختی به دست ما نمی‌دهد.

۱۳- کدام گزینه به سوپژکتیو بودن علیت در فلسفه دکارت اشاره می‌کند؟

- (۱) ذهن از مشاهده‌ی توالی پدیده‌ها مفهوم ذهنی علیت را می‌سازد.
(۲) عقل مفهوم علیت را از ابتدا در خودش به صورت فطری دارد.
(۳) عقل از واقعیت، مفهومی مثل علیت را از آن‌ها انتزاع می‌کند.
(۴) ذهن واقعیت‌های بیرونی را در قالب رابطه‌ی علیت درک می‌کند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر کانت، سوپژکتیو بودن یعنی مفاهیمی مثل علیت جزء ساختار و قالب ذهنی ماست که واقعیت را درون آن قالب درک می‌کنیم؛ یعنی توالی پدیده‌ها در ذهن به عنوان علیت درک می‌شوند.

۱۴- کدام فیلسوف معتقد بود مفاهیمی مثل «علیت» از واقعیت بیرونی گرفته شده و عقل آن‌ها را انتزاع کرده است.

- (۱) کانت (۲) دکارت (۳) بیکن (۴) ارسطو

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر ارسطو و فیلسوفان مسلمان، مفاهیم فلسفی‌ای مانند علیت یا ضرورت، از واقعیت بیرونی انتزاع شده‌اند. کانت این مفاهیم را ذهنی، بیکن تجربی، و دکارت فطری می‌دانست.

۱۵- با توجه به نزاع تاریخی عقل و ایمان در تفکر غربی، عناوینی مانند «عصر ایمان» و «آغاز عصر خرد» مناسب کدام

دوره‌های تاریخی است؟

- (۱) یونان باستان - دوره‌ی جدید
(۲) قرون وسطی - دوره‌ی حاکمیت کلیسا
(۳) قرون وسطی - دوره‌ی جدید
(۴) رنسانس - دوره‌ی جدید

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در قرون وسطی یا دوره‌ی حاکمیت کلیسا، ایمان برتر از عقل و خرد در نظر گرفته می‌شد و در دوره‌ی جدید خردگرایی برتری یافت.

- ۱۶- کانت این بخش از نظر تجربه‌گرایان را پذیرفت که
 (۱) نمی‌توان به وجود مفاهیمی مثل نفس و اختیار اعتقاد داشت.
 (۲) عقل توانایی اثبات اموری مثل خدا، نفس و اختیار را ندارد.
 (۳) تجربه نمی‌تواند ما را به شناخت علمی و مطمئن برساند.
 (۴) عقل در کسب شناخت تجربی هیچ نقشی بر عهده ندارد.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کانت این بخش از نظر تجربه‌گرایان را پذیرفت که عقل توانایی اثبات اموری مثل خدا و نفس و اختیار را ندارد؛ اما از راه دیگری سعی کرد وجود این مفاهیم را اثبات کند. بنابراین کانت به وجود خدا و نفس و اختیار معتقد بود.

- ۱۷- کدام گزینه درباره‌ی دکارت نادرس است؟

- (۱) عقل را موجودی مستقل در نظر می‌گرفت.
 (۲) جزء اولین متفکران دوره‌ی جدید اروپاست.
 (۳) ریاضی‌دانی برجسته محسوب می‌شد.
 (۴) خدا را از طریق برهان عقلی اثبات می‌کرد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دکارت به عقل به عنوان یک موجود برتر و متعالی در جهان باور نداشت. درست برخلاف فیلسوفانی مثل افلاطون و ارسطو.

- ۱۸- کدام فیلسوف معتقد بود باید از «بت‌هایی که به دست فیلسوفان گذشته ساخته شده» دست برداشت؟
 (۱) راجر بیکن (۲) دکارت (۳) فرانسیس بیکن (۴) توماس آکوئیناس

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این عبارت متعلق به فرانسیس بیکن، فیلسوف دوره‌ی جدید است نه راجر بیکن که فیلسوف دوره‌ی قرون وسطی است.

- ۱۹- برهان وجوب و امکان ابن‌سینا در کدام دوره در فلسفه‌ی اروپایی وارد شد؟
 (۱) دوره‌ی جدید
 (۲) دوره‌ی اول حاکمیت کلیسا
 (۳) دوره‌ی دوم حاکمیت کلیسا
 (۴) عصر رنسانس

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آثار ابن‌سینا در ابتدای دوره‌ی دوم حاکمیت کلیسا به لاتین ترجمه شد و فیلسوفان این دوره، تحت تأثیر مطالعه‌ی آنان، از این استدلال برای اثبات وجود خدا استفاده کردند. توماس آکوئیناس این برهان را وارد تفکر غربی کرده بود. او نیز متعلق به همین دوره‌ی تاریخی است.

۲۰- چرا با وجود تلاش‌های برخی فیلسوفان مسیحی در دوره‌ی حاکمیت کلیسا، برای سازگاری میان عقل و مسیحیت، این اتفاق رخ نداد؟

- (۱) زیرا عقل فاقد توانایی اثبات وجود خداست.
(۲) چون فیلسوفان مسیحی با کلیسا مخالف بودند.
(۳) زیرا فلسفه‌ی آن‌ها بر تجربه‌گرایی مبتنی بود.
(۴) چون عقل با مبانی اولیه‌ی کلیسا سازگاری نداشت.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برخی فیلسوفان مسیحی کوشیده بودند میان عقل و ایمان سازگاری ایجاد کنند؛ اما در نهایت، به دلیل سازگار نبودن برخی مبانی اولیه‌ی کلیسای کاتولیک با عقل، این اتفاق نیفتاد و دین به حاشیه رانده شد.

۲۱- کدام‌یک از اندیشمندان قبل از رنسانس، عقل و ایمان را در تعارض می‌دیدند؟

- (۱) توماس آکوئیناس (۲) راجر بیکن (۳) ترتولیانوس (۴) آلبرت کبیر

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترتولیانوس از مدافعان سرسخت کلیسا بود که فلسفه را کفر می‌دانست. توماس آکوئیناس، راجر بیکن و آلبرت کبیر همگی فیلسوفانی بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان، می‌کوشیدند عقل و ایمان را با هم سازگار کنند.

۲۲- کدام گزینه با دیدگاه توماس آکوئیناس سازگار است؟

- (۱) فلسفه و فلسفه‌ورزی جزئی از دین محسوب می‌شود.
(۲) عقل و عقلانیت اموری شیطانی است.
(۳) ایمان با ایستادگی برابر عقل حاصل می‌شود.
(۴) مسائل دینی را می‌شود با عقل تبیین کرد.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. آکوئیناس خودش فیلسوف بود و تحت تأثیر آثار ابن‌سینا و ابن‌رشد معتقد بود مسائل دینی را می‌شود تبیین عقلانی کرد.

۲۳- ترتولیانوس، یکی از مدافعان سرسخت مسیحیت می‌گفت: «ایمان می‌آورم؛ از آن جهت که.....»

- (۱) امری عقلانی است. (۲) خواست خداوند است. (۳) امری محال است. (۴) فلسفه کفر است.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترتولیانوس ارزش ایمان را اعتقاد به امری می‌دانست که از نظر عقلی محال باشد.

۲۴- لفظ «باید» در کدام گزینه به حیطة عقل عملی ربطی ندارد؟

- (۱) برای ساخت استدلال باید از قضایای کلی استفاده کنیم.
- (۲) برای رعایت حال دیگران، باید اخلاقی عمل کنیم.
- (۳) انسان باید از افراط و تفریط پرهیز کند و میانه‌رو باشد.
- (۴) باید به آزادی و حقوق دیگران احترام گذاشت.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. لفظ «باید» در گزینه ۱، ربطی به کارهای اختیاری انسان ندارد که حیطة کاربرد عقل عملی است، بلکه این باید به معنای ضرورت علمی است در دانش منطق و استدلال. این که باید از قضایای کلی در ساخت استدلال استفاده کرد، به معنای نوعی هست و نیست است و در واقع می‌گوید استدلال بدون وجود قضیه‌ای کلی ساخته نمی‌شود.

۲۵- در کدام گزینه، «درست و نادرست» در حیطة عقل نظری مطرح شده؟

- (۱) رعایت حقوق دیگری کاری کاملاً درست است.
- (۲) مغالطه‌کاری و فریب دیگران نادرست است.
- (۳) خودبرتربینی انسان رفتاری نادرست است.
- (۴) عقل‌گرا دانستن فیلسوفی مثل هیوم نادرست است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در حیطة عقل نظری، از هست و نیست امور صحبت می‌کنیم، این که بگوییم «عقل‌گرا دانستن فیلسوفی مثل هیوم نادرست است.» به این معناست که هیوم فیلسوف عقل‌گرا نیست. پس از هست و نیست سخن گفته‌ایم نه باید و نباید و درستی و نادرستی اعمال اختیاری انسان.

۲۶- کسی که می‌کوشد وجود اختیار را برای انسان اثبات کند، در حیطة عقل است؛ زیرا:

- (۱) نظری - اختیار در حیطة اخلاق و عقل نظری معنا دارد.
- (۲) عملی - اراده و اختیار پشتوانه‌ی عمل انسان محسوب می‌شود.
- (۳) نظری - اثبات هست و نیست اشیا در حیطة عقل نظری است.
- (۴) عملی - عقل عملی در حیطة کارهای اختیاری وارد می‌شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. استدلال برای اثبات وجود هر چیزی در حیطة عقل نظری است که هست و نیست چیزها را بررسی می‌کند. در این مورد هم اثبات وجود اختیار امری نظری است.

۲۷- در کدام حالت از عقل عملی استفاده کرده‌ایم؟

- (۱) وقتی بفهمیم چیزی که فکر می‌کردیم وجود دارد، موجود نیست.
- (۲) آن‌گاه که متوجه شویم کاری که انجام داده‌ایم، درست نیست.
- (۳) وقتی متوجه شویم خداوندی هست که جهان نشانه‌ی قدرت اوست.
- (۴) آن‌گاه که وجود نفس یا روح را در انسان انکار یا اثبات کنیم.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عقل عملی درباره‌ی درستی و نادرستی کارهای اختیاری انسان بحث می‌کند؛ یعنی در این باره اظهار نظر می‌کند که انجام چیزی درست یا نادرست است. در حالی که عقل نظری درباره‌ی وجود یا عدم وجود اشیا صحبت می‌کند.

۲۸- میان مصادیق عقل نظری و علوم تجربی کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

- (۱) تباین
- (۲) عموم و خصوص مطلق
- (۳) عموم و خصوص من وجه
- (۴) تساوی

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عقل نظری تمامی علوم عقلی و علوم تجربی را شامل می‌شود؛ پس دایره‌ی مصادیقش عام‌تر از علوم تجربی است. از طرف دیگر، تمامی علوم تجربی در حیطه‌ی آنچه هست و آنچه نیست قرار می‌گیرد نه بایدها و نبایدها؛ پس تمامی این علوم نیز حیطه‌ی کاربرد عقل نظری‌اند نه عقل عملی. بنابراین نسبت این دو عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

۲۹- عقل عملی درباره‌ی بحث می‌کند و عقل نظری درباره‌ی

- (۱) علوم تجربی - علوم عقلی
- (۲) امور اختیاری انسان - عقل و استدلال
- (۳) هست و نیست - باید و نباید
- (۴) باید و نباید - هست و نیست

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عقل عملی درباره‌ی امور اختیاری انسان؛ یعنی باید و نبایدها بحث می‌کند و عقل نظری درباره‌ی هست و نیست چیزها.

۳۰- ملاک ارسطو برای تقسیم عقل به عملی و نظری چه بود؟

- (۱) حیطه‌ی کاربرد عقل و استدلال
- (۲) قیاسی یا استقرایی بودن استدلال
- (۳) هست و نیست امور مورد بحث
- (۴) تجربی یا عقلی محض بودن علوم

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. معیار و ملاک ارسطو برای تقسیم عقل به نظری و عملی، حیطه‌ی کاربرد عقل است. اگر عقل درباره‌ی هست و نیست اشیا بحث می‌کند، عقل نظری و اگر درباره‌ی باید و نباید در امور اختیاری انسان صحبت می‌کند، عقل عملی در کار است.

۳۱- کدام گزینه درباره‌ی مفهوم کلمه در قرآن نادرست است؟

- (۱) هر حقیقتی حکم کلمه‌ی خدا را دارد.
- (۲) حضرت مسیح به طور خاص «کلمه» نامیده شده است.
- (۳) خداوند دارای کلمات بیانی نیز هست.
- (۴) مفاهیمی مثل «سنت» کلمات وجودی خدا هستند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفاهیمی مثل سنت یا کفر یا توحید، در قرآن «کلمه» نامیده شده‌اند؛ اما «کلمات وجودی» همه‌ی مخلوقات خدا دانسته شده‌اند نه این مفاهیم خاص.

۳۲- منظور هراکلیتوس از این‌که اشیا جلوه‌ی «لوگوس» به شمار می‌آیند چیست؟

- (۱) هر کلمه‌ای یک شیء محسوب می‌شود.
- (۲) هر شیئی دارای یک نام خاص است.
- (۳) اشیا همان عقل مجرد از ماده هستند.
- (۴) اشیا از روی عقل و حکمت پدید آمده‌اند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «لوگوس» دو معنی دارد: عقل و نطق یا کلمه. وقتی هراکلیتوس اشیا را جلوه‌ی «لوگوس» می‌داند، در واقع می‌خواهد عقلانی بودن اشیا را نشان دهد و این‌که هر موجودی براساس عقل و حکمت به وجود آمده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: هراکلیتوس اشیا را کلمه می‌داند نه برعکس.

گزینه ۲: گرچه این حرف درست است، اما معنای سخن هراکلیتوس نیست.

گزینه ۳: لزوماً هر چیزی عقل مجرد نیست و در ضمن، هراکلیتوس درباره‌ی تجرد عقل سخنی نگفته است.

۳۳- کدام گزینه با تفکرات هراکلیتوس سازگار است؟

- (۱) «لوگوس» پرتوی از کلمه محسوب می‌شود.
- (۲) «لوگوس» همان فرشته‌ی الهی است.
- (۳) عقل و سخن دو روی یک سکه‌اند.
- (۴) کلمه و سخن در عقل تجلی می‌یابد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هراکلیتوس برای اشاره به عقل، از مفهوم «لوگوس» استفاده می‌کند که هم معنای «عقل» می‌دهد و هم معنای «نطق» و «سخن» (رد گزینه ۱) در نظر او، کلمه و سخن تجلی و جلوه‌ی عقل‌اند نه برعکس (رد گزینه ۲) به طوری‌که هرچه به بیان درمی‌آید، عقلانی است و هر چه عقلانی است، می‌تواند با کلمه بیان شود. بنابراین، این دو مفهوم، دو روی یک سکه‌اند.

تذکر: هراکلیتوس «لوگوس» را به فرشته تعبیر نکرده است.

- ۳۴- معنای دوگانه‌ی «لوگوس» و استفاده‌ی هراکلیتوس از این واژه نشان می‌دهد که او:
- (۱) زبان را تجلی‌گاه تفکر و تعقل می‌داند.
 - (۲) سخن را سرچشمه‌ی تفکر محسوب کرده است.
 - (۳) تعریف ارسطویی از انسان را نمی‌پذیرد.
 - (۴) عقل را در پیوند با فلسفه در نظر می‌گیرد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لوگوس» هم به معنای عقل است و هم به معنای کلمه و نطق، هراکلیتوس می‌خواهد نشان دهد سخن و نطق جلوه‌ی عقل و تفکر هستند.

- ۳۵- کدام گزینه با گزارش‌های موجود درباره‌ی ایران باستان مطابقت ندارد؟
- (۱) مفهوم «خرد» را با نام «مزدا» معرفی می‌کردند.
 - (۲) یکی از کانون‌های اولیه‌ی خردورزی شمرده می‌شد.
 - (۳) جهان هستی را آفریده‌ای خردمندانه می‌دیدند.
 - (۴) برخی پادشاهان به حکمت و خرد آراسته بودند.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «مزدا» در ایران باستان نام پروردگار بود نه عقل و خرد. سایر گزینه‌ها با گزارش‌های موجود هم‌خوانی دارند.

- ۳۶- کدام گزینه درباره‌ی اعتقادات ایرانیان باستان نادرست است؟
- (۱) مزاد را آفریننده‌ی حکیم جهان هستی می‌دانستند.
 - (۲) خلقت جهان را امری عقلانی در نظر می‌گرفتند.
 - (۳) عقل را صرفاً «توانایی خردورزی» معرفی می‌کردند.
 - (۴) به وجود عقلی مجرد از ماده و نورانی باور داشتند.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عقل در نظر ایرانیان باستان، هم موجودی مجرد و نورانی بود و هم بازار خردورزی و ارائه‌ی برهان.

- ۳۷- عقل انسان تنها پس از ساختن است که توانایی صورت‌بندی استدلال را پیدا می‌کند.
- (۱) مفاهیم کلی
 - (۲) مفاهیم فطری
 - (۳) قیاس معتبر
 - (۴) معرفت شهودی

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. عقل پس از آن‌که مفاهیم کلی را در خودش شکل داد، می‌تواند قضایایی بسازد که برای صورت‌بندی استدلال معتبر مناسب باشند.

- ۳۸- وقتی می‌گوییم «برخی انسان‌ها قدرت عقلی بیش‌تر و برخی قدرت عقلی کم‌تری دارند.» بر چه چیزی دلالت می‌کند؟
- (۱) ذاتی بودن تفاوت میان آدمیان در توانایی‌های عقلی (۲) عدم اعتبار استدلال عقلانی محض به طور کلی
(۳) تفاوت در نظر گرفته شده میان عقل عملی و نظری (۴) استعدادی و بالقوه بودن توانایی عقلی در بدو تولد

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وقتی از قدرت عقلی بیش‌تر و کم‌تر در انسان‌ها صحبت می‌کنیم، منظور ما فعلیت یافتن یک توانایی ذاتی در انسان است که آن‌را عقل نامیده‌ایم. به عبارت بهتر، عقل خودش کم و زیاد ندارد؛ اما در واقع یک توانایی بالقوه است که با تربیت و تمرین بالفعل می‌شود. حال همه‌ی انسان‌ها این توانایی بالقوه را دارند؛ اما برخی آن‌را به فعلیت بیش‌تری رسانده‌اند و برخی کم‌تر در این راه تلاش کرده‌اند.

- ۳۹- قائلان به وجود عقول مجرد، کدام گزینه را نمی‌پذیرند؟

- (۱) پرتوی از عقل مجرد در وجود هر انسانی هست. (۲) عقول مجرد به استدلال عقلی متوسط نمی‌شوند.
(۳) عقل انسانی مرتبه‌ای نازل از عقل مجرد است. (۴) عقل انسانی هیچ‌گاه توانایی شهود عقلانی را ندارد.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر فیلسوفان الهی، پرتوی از عقل مجرد در انسان هم وجود دارد و عقل انسانی که توانایی استدلال کردن دارد، مرتبه‌ای نازل از عقل مجرد است. با این تفاوت که عقول مجرد به استدلال عقلی متوسل نمی‌شوند و تنها با شهود عقلانی همه چیز را درک می‌کنند؛ ولی عقل انسانی به دلیل آمیختگی با جسم و ماده، برای رسیدن به شناخت باید از استدلال استفاده کند. البته از نظر این دسته از فیلسوفان، انسان با ترکیه و تهذیب نفس می‌تواند کاملاً از ماده جدا شود و به مرحله‌ای برسد که مانند عقول مجرد، از شهود عقلانی استفاده کند.

- ۴۰- از نظر فیلسوفان الهی، فرشتگان حقایق را از طریق درک می‌کنند و به نیازی ندارند.

- (۱) معرفت شهودی - تجربه و استدلال (۲) معرفت قلبی - استدلال عقلی
(۳) شهود عقلانی - استدلال مفهومی (۴) شهود عقلی - شناخت

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از نظر فیلسوفان الهی، فرشتگان حقایق را از طریق شهود عقلانی (نه قلبی و معرفت شهودی) درک می‌کنند و به استدلال مفهومی نیازی ندارند.

- ۴۱- طبق نظر برخی فیلسوفان، توانایی انسان در کنار هم نهادن مفاهیم کلی و ساخت استدلال، است.
- (۱) نوعی شهود عقلانی (۲) تعالی روح انسان (۳) عملی اکتسابی (۴) پرتوی از عقل مجرد

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برخی فلاسفه از جمله فیلسوفان الهی معتقدند توانایی انسان در کنار هم نهادن مفاهیم کلی و ساخت استدلال، پرتوی از عقل مجرد است.

- ۴۲- فیلسوفان الهی، عالم عقل را که همان عالم است، با شناخته‌اند.
- (۱) فرشتگان - شهود عقلی
(۲) مجردات - معرفت شهودی
(۳) فرشتگان - استدلال و برهان
(۴) نفوس انسانی - شهود عقلانی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فیلسوفان الهی، عالم عقل را که همان عالم فرشتگان الهی است، با استدلال و برهان اثبات کرده‌اند.

- ۴۳- از نظر فیلسوفان دلیل تفاوت قدرت عقلی انسان‌های مختلف با یکدیگر چیست؟
- (۱) زیرا توانایی عقل در انسان بالقوه است و تنها با تمرین و تربیت بالفعل می‌شود.
(۲) چون عقل به معنای توانایی استدلال کردن، برای ما امری اکتسابی است نه ذاتی.
(۳) زیرا عقل تنها در حیطه‌ی تجربه معتبر است و حواس انسان‌های مختلف تفاوت دارند.
(۴) چون عقل در خودش فاقد مفاهیم فطری است و نیازمند استفاده از تجربه است.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فیلسوفان معتقدند توانایی عقل در انسان بالقوه است و تنها با تمرین و تربیت بالفعل می‌شود. در نتیجه، انسان‌ها از نظر عقلی با یکدیگر متفاوت خواهند بود؛ زیرا برخی بیشتر و برخی کمتر در راه استفاده و پرورش عقل تلاش کرده‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: عقل به معنای عام «توانایی استدلال‌آوری» کاملاً ذاتی است نه اکتسابی
گزینه ۳: تعیین محدوده‌ی کاربرد و اعتبار عقل ربطی به تفاوت عقلی انسان‌ها ندارد.
گزینه ۴: حتی اگر عقل را مانند دکارت دارای مفاهیم فطری بدانیم، باز هم این تربیت و تمرین است که مفاهیم فطری را بالفعل می‌کند؛ زیرا آن‌ها نیز به صورت بالقوه در انسان وجود دارند.

- ۴۴- اگر عقل را توانایی انسان در استدلال کردن برای کشف حقایق بدانیم، آنگاه کدام گزینه درست خواهد بود؟
- (۱) عقل به این معنا در تمامی دانش‌های بشری کاربرد دارد.
(۲) با دیدگاه تجربه‌گرایان از عقل در تضاد و تعارض است.
(۳) نمی‌توان در حیطه‌های دینی و اعتقادی از آن استفاده کرد.
(۴) کاربرد عقل به حیطه‌ی علوم نظری محدود خواهد شد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. این که عقل را «توانایی استدلال کردن» معرفی کنیم، عام‌ترین تعریف برای عقل است و در تمامی دانش‌های علمی و نظری و تجربی و عقلی کاربرد خواهد داشت. زیرا هیچ‌کس نیست که بگوید عقل نمی‌تواند استدلال کند و این توانایی استدلال کردن در برخی حیطه‌های بشری کاربرد ندارد.

۴۵- نسبت عقل و فلسفه مانند نسبت میان است.

- (۱) عشق و شهود (۲) عقل و ایمان (۳) دین و عرفان (۴) شهود و عرفان

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فلسفه در ذهن ما تداعی کننده عقل و شهود نیز تداعی کننده عرفان است. به عبارت دیگر، دو ابزار معرفتی تداعی کننده دو حیطة از تفکر و دانش بشری محسوب می شوند.

۴۶- کدام گزینه ارزیابی دقیق تری از عبارت زیر به دست می دهد؟

«استدلال در حوزه دین، احمقانه ترین کارهاست؛ زیرا استدلال عقلی مربوط به حوزه علمی است نه دین.»

- (۱) عقل و استدلال عقلی را تابع دین در نظر می گیرد. (۲) برای عقل، مستقل از علم، اعتباری قائل نیست. (۳) علوم تجربی را علوم عقلی و استدلالی محض می داند. (۴) ایمان را غیرعقلی و بی نیاز از استدلال می داند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این عبارت نشان می دهد حوزه دین نیازی به استدلال عقلی ندارد؛ زیرا اساساً معتقد است استدلال عقلی توانایی اثبات برخی امور را ندارد.

۴۷- از نظر کدام فیلسوف، عقل بدون داده های حسی، فاقد اعتبار شناختی خواهد بود؟

- (۱) ارسطو (۲) ابن سینا (۳) دکارت (۴) کانت

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کانت با تجربه گرایان موافق بود که استدلال های عقلانی محض اعتباری ندارد و عقل تنها در حیطة حسی و تجربه است که می تواند ما را به شناخت برساند.

۴۸- در دوره عقل تابع دین و در دوره نیز دین تابع عقلانیت بوده است.

- (۱) باستان - رنسانس (۲) باستان - جدید (۳) قرون وسطی - رنسانس (۴) قرون وسطی - باستان

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در دوره باستان خبری از تقابل عقل و دین نیست. این تقابل در دوره قرون وسطی و رنسانس وجود داشته است. بدین نحو که در دوره قرون وسطی عقل تابع دین و در دوره رنسانس نیز دین تابع عقلانیت بوده است.

۴۹- ارسطو قوهی عقل را بر چه اساسی به نظری و عملی تقسیم می‌کند؟

- (۱) کاری که عقل انجام می‌دهد.
- (۲) نوع استدلالی که به کار می‌گیرد.
- (۳) نوع نتایجی که به دست می‌آورد.
- (۴) قطعیتی که در کاربردش وجود دارد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ارسطو قوهی عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد، به نظری و عملی تقسیم می‌کند؛ یعنی اگر درباره‌ی هست و نیست اشیاء بحث می‌کند، عقل نظری و اگر در حیطه‌ی امور اختیاری انسان از دست و نادرست آن‌ها صحبت می‌کند، عقل عملی خواهد بود.

۵۰- قرآن کریم به روشنی مخلوقات جهان را نامیده است.

- (۱) کلمات وجودی
- (۲) عقول مجرد
- (۳) حکمت خدا
- (۴) بیان خدا

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. قرآن کریم به روشنی مخلوقات جهان را «کلمات وجودی» نامیده است.